

نویسنده: م.ک. بهادر اکمار «M.K.Bhadra Kumar» .
منبع و تاریخ نشر: نیوزکلک «2022-12-02» .
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

ایالات متحده جنگ های فرهنگی را به افغانستان می آورد

US Brings Culture Wars to Afghanistan

با احیای این مجموعه، تاملاتی در مورد رویدادها در افغانستان - 41
بر تغییرات در کشور درگیر پس از جنگ اوکراین و در همسایگی آن،
مانند پاکستان تمرکز دارد.

**Reviving the series, Reflections on Events in Afghanistan —
41 focuses on the changes in the embattled country post the
Ukraine war, and in its neighbourhood, such as Pakistan.**



**حداقل 100 کودک در یک حمله تروریستی در یک مدرسه در کابل، افغانستان، 30 سپتامبر 2022
کشته شدند.**

زمان آن رسیده است که موضوعاتی را ازوبلاگ ام در « 27 » جنوری با عنوان غرب با طالبان همکاری می کند، انتخاب کنم. در واقع، از زمان نشست سه روزه در اسلو در تاریخ 23 تا 25 ژانویه بین یک گروه اصلی از دیپلمات های غربی با مقامات طالبان، موفق به ایجاد یک روش یا چرخش کامل زنده نشد یعنی که بندول یا آونگ ساعت از آن زمان به سوی دیگر تاب و یا دورخورده است.

افغانستان بار دیگر به دلیل تحولات ذاتی وضعیت افغانستان، تغییر رژیم در پاکستان و تغییر در سیاست های منطقه ای در آسیای مرکزی به دلیل پیامدهای جنگ نیا بتی غرب با روسیه در اروپا، به کا بین «نزاع» رقابت های قدرت های بزرگ تبدیل شده است.

به طور خلاصه، روسیه و چین به طرز درخشانی تلاش ایالات متحده در اسلو را برای همدستی با دولت طالبان به عنوان شریک خود تضعیف کردند. شرایط مشا رکت برای طالبان قابل قبول نبود، به ویژه آزادی عمل که استخبارات ایالات متحده و بریتانیا به دنبال انجام عملیات های مخفیانه از خاک افغانستان بودند.

روسیه و چین فضایی را برای طالبان ایجاد کردند تا با ایالات متحده به سادگی با ارائه چشم انداز روابط سودمند به آنها مذاکره کنند. هدف اصلی ایالات متحده استفاده از افغانستان به عنوان پایگاهی برای راهبردهای مهار کردن اش علیه روسیه، چین و ایران بود.

از آن زمان، ایالات متحده تخمین می زند ویا متوجه است که با گریزافتادن روسیه در جنگ اوکراین و در همکاری چین با مسکو بسیار محتاطانه عمل کند، و فرصتی برای این کشور وجود دارد که می خواهد فرصتی بدست آورد که فعالانه در جهت ترویج تغییرات رژیم در آسیای مرکزی و خارج کردن منطقه از مدار روسیه فعالیت کند.

.. در قزاقستان، قرغیزستان، ازبکستان و ترکمنستان تلاش هایی صورت گرفت اما رژیم های آن کشورها هوشیار بودند تلاش های ناموفق یک بار دیگر توجه را به اهمیت افغانستان به عنوان یک نقطه مرتفع در ژئوپلیتیک منطقه آسیای مرکزی جلب کرد. از این رو نیا زبه بازپس گیری کنترل بر کابل است.

این یک تلاش واقعاً جمعی از سوی اطلاعات غربی است که ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه و آلمان در نقش اصلی قرار دارند. جای تعجب نیست که تمرکز غرب به مناطق شمالی افغانستان در همسایگی جمهوری های شوروی سابق آسیای مرکزی معطوف شده است.

با روی کار آمدن یک رژیم طرفدار غرب در پاکستان، دست ایالات متحده برای همکاری با گروه های غیرطالبان باز است. قدرت های غربی ارزیابی می کنند که جبهه به اصطلاح مقاومت ملی (NRF) به رهبری احمد مسعود رهبر پنجشیری، بستر مناسبی را برای پیشبرد برنامه منطقه ای آنها فراهم می کند.

جدا از ارتباط چند دهه ای طایفه یا خانواده مسعود با اطلاعات استخبارات فرانسه، خود احمد مسعود در سند هرست آموزش دیده بود. پنجشیری ها بطور آشتی ناپذیری با حکومت پشتون مخالف هستند و همچنین قرابت های قومیتی با تاجیکستان دارند.

اگر اما نونل ماکرون را وارد یا در موضوع داخل کنید. فرانسه از زمانی که گروه واگنر (امتیازگیر) روسیه به طور خلاصه جایگزین لژیون فرانسوی به عنوان تامین کننده امنیت کشور های

فرانسه زبان در منطقه ساحل شد، که از لحاظ تاریخی محل بازی فرانسه بودند، با کرملین تسویه حساب کرد

ماکرون قصد دارد که در آسیای مرکزی و قفقاز آن انتقام را بگیرد .

ماکرون در این نمایش سایه، **اما معلی رحمان** رئیس جمهور تاجیکستان را شبه متحد خود می بیند . اکنون، درک ذهن غیرقابل درک **رحمان** هرگز آسان نیست و این مورد یا موضوع بسیار پیچیده است، زیرا معادلات تاجیک و روسیه نیز درگیر یادرمیان است، اما به نظر می رسد او اولویت دارد یا که اولویت میدهد از اینکه پول زیادی وجود دارد که غرب آماده است تا برای تقویت NRF و مسعود هزینه کند ، و به نظر او این سرمایه گذاری غربی مطمئناً برای مدت طولانی خواهد بود .

برگ برنده **رحمان** این است که تا جیکستان دروازه پنجشیر است و می تواند یک دالان ترانزیتی برای جریان پول، مردان و مواد غربی برای تقویت توانایی NRF برای مبارزه مسلحانه و ظهور سریع به عنوان یک نهاد سیاسی معتبر در منطقه فراهم کند .

دوشنبه در اوایل این هفته میزبان گفتگوی امنیتی **هرات** بود تا ملاقات بین NRF (مسعود) و بسیاری دیگر از سیاستمداران ناراضی افغان که دشمنان حکومت طالبان هستند و در غرب مقیم هستند (بویژه رهبران مجاهدین و اعضای حکومت زوال شده اشرف غنی)، با مقامات اطلاعاتی یا استخباراتی آمریکا و اروپا راهنمایی یا پیشبرد این رویداد را تسهیل کند . .

بدیهی است که هدف این سرمایه گذاری ایجاد پایگاه گسترده NRF با وارد کردن تمام عناصر ضد طالبان است . جالب توجه است که یک نمایش فرعی در **دوشنبه** این بود که افغانها با دعوت کنندگان دست چین شده یا برگزیده شده از کشورهای منطقه، از جمله روسیه و ایران ، شبکه ای شدند که عمدتاً خود را «لیبرالها» می نامیدند که ما یلند از دستورکار غرب پیروی کنند .

به طور خلاصه، این سرمایه گذاری با هدف ایجاد یک جنبش مقاومت افغانستان دیگر برای بیرون راندن طالبان از قدرت است و زمینه برای یک جنگ داخلی جدید آماده می شود که در آن غرب امیدوار است در نهایت پیروز شود، اما نیازی به گذاشتن "چکمه روی زمین" نیست یا پیاده کردن پیاده نظام .

با این حال، این جنگ داخلی آینده بسیار متفاوت با تمام جنگ های قبلی در تاریخ افغانستان خواهد بود زیرا، این به عنوان یک جنگ فرهنگی - مبارزه برای تسلط بین گروه ها در جامعه افغانستان که ناشی از عقاید یا عملکردهای متفاوت آنهاست - پیش بینی می شود، اگرچه اساساً می توان آن را به عنوان یک تصرف قدرت سیاسی با کمک خارجی تلقی کرد .

این شباهت با جنگ های فرهنگی در آمریکا در دو دهه گذشته و بیشتر بین جامعه لیبرال سکولار و یک اپوزیسیون محافظه کار که جهان بینی خود را در کتاب مقدس ریشه داشت، دارد . امروزه در آمریکا در دعواهای شرورانه بر سر سقط جنین، حقوق همجنسگرایان، مذهب در مدارس دولتی و مواردی از این نوع موضوعات نقش و یاد دست بازی می کند .

جنگ فرهنگی در افغانستان نیز ناگزیر از مسائل مربوط به مذهب و فرهنگ خانوادگی گسترش می یابد و تقریباً به طور کامل سیاست را در اختیار می گیرد و حس خطرناکی از درگیری برنده همه چیز را بر سر آینده کشور ایجاد می کند، همانطور که در آمریکا اتفاق می افتد .

تناقض در اینجا این است که قیام پیشنها دی پنجشیری ها به نام دموکراسی روی می دهد، در حالی که دموکراسی در هسته آن توافقی است که بر سر اختلافات خود یکدیگر را نخواهیم کشت، بلکه در عوض در مورد آن اختلافات صحبت خواهیم کرد. ممکن است طول بکشد. برعکس، NRF مسعود، با خشونت برای سرنگونی حکومت طالبان که تنها کمی بیش از یک سال است که در قدرت بوده، پیوند خورده است.

در طول یک سال گذشته، طالبان با یک وضعیت فوق العاده کنار آمدند و نیمه پر لیوان است. یاکه گیلان نیمه است بلی، چیزهایی در آنجا اتفاق می افتد که با هنجارهای نوع غربی دموکراسی لیبرال مطابقت ندارد. با این وجود، حاکمیت قانون وجود دارد - با این تفاوت که قانون اسلامی اصل راهنما است. در واقع، این باور که بیان دینی می تواند به دموکراسی کمک کند، حتی در کشورهای غربی نیز سابقه طولانی دارد، همانطور که اعتقاد به اینکه هر دینی چیز خوبی است.

اساساً در اینجا یک تصور غلط خطرناک وجود دارد زیرا سیاست در هسته آن چیزی جز مصنوع فرهنگ نیست و فرهنگ تضمین کننده سیاست در همه کشورها، از جمله آمریکا یا فرانسه است. مطمئناً، طالبان جنگ داخلی آتی را که توسط غرب ترویج می شود، به عنوان یک تهدید وجودی برای شیوه زندگی آنها، برای چیزهایی که آنها رامقدس می دانند، خواهند دیدند به این معنا که مقاومت طالبان در برابر NRF ریشه در ترس از انقراض خواهد داشت. آنها تا سر حد مرگ برای یک راه زندگی مبارزه خواهند کرد.

چرا غرب پس از تخریب بافت اجتماعی آن کشور در طول دو دهه گذشته و مرتکب چنین جنایات جنگی وحشتناکی با افغانستان این کار را می کند؟ حداقل، ابتدا پول آن کشور را در بانک های غربی برگردانید و به ملت افغانستان مهلت مناسبی بدهید تا زخم های جنگی خود را بلیسند، قبل از اینکه جنگ داخلی دیگری را برانگیزند. بر مقطع کنونی، بدون شک، این بحران انسانی است که باید اولویت شماره یک جامعه بین المللی باشد.

عبداللطیف پدram، سیاستمدار نادر و مترقی افغان که به صداقتش معروف است، در توییتی نوشت: «به نشست امنیتی هرات (دوشنبه) دعوت شده بودم، اما به دلیل حضور مفسدان در این نشست شرکت نکردم. ای مردم».

در واقع این توهین به مردم افغانستان است که غربی ها با آنها مانند گاوهای لال رفتار می کنند. **پدram** افزود که مدعوین در نشست **دوشنبه**، همگی با رژیم فاسدی که طالبان جایگزین آن شده بود، مرتبط بودند و از نظر ایده های بهبود وضعیت غم انگیز کشورش ورشکسته هستند.

----- **با تقدیم احترامات «2022-12-03»**